

کلیدواژه‌ها: نفت، درآمدهای نفتی، ایران، رانت

بیان مسئله

درآمدهای نفتی مهم‌ترین منبع تأمین ارز در کشورهای صادرکننده نفت محسوب می‌شوند. این درآمدها نقش بسزایی در سطح فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی دارند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶). هرگونه کاهش غیر منتظره آن می‌تواند به‌طور مستقیم بر بودجه دولت تأثیر بگذارد و در غیاب سیاست‌های صحیح اقتصادی، به بحران و عدم تعادل اقتصادی منجر شود (مهرآرا و حائری، ۱۳۸۷: ۲). نفت به‌عنوان ماده‌ای حیاتی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته جایگاه راهبردی یافته است (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲: ۲۶). از آنجا که قیمت و مقدار فروش نفت در این اقتصادها یک متغیر برون‌زا تلقی

می‌شود و تعیین میزان آن خارج از حیطه اقتصاد ملی قرار دارد، و از سوی دیگر، فعالیت‌های کلان اقتصادی نسبت به شوک‌های نفتی از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند، لذا هرگونه نوسان در آن می‌تواند اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار دهد (نعمت‌اللهی و مجدزاده طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). ایران از جمله کشورهایی است که بخش مهمی از اقتصاد و درآمد آن به نفت و صادرات حاصل از آن وابسته است و سهم درآمد کشور از دیگر بخش‌ها نسبت به نفت ناچیز است. ایران دارای ۱۱ درصد از ذخایر نفت جهان و دومین تولیدکننده در میان سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (OPEC و ۲۰۰۹) است، به‌طوری که براساس اطلاعات سری زمانی «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، ۸۰ تا ۹۰ درصد کل درآمد صادرات و ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه سالانه دولت، از صادرات نفت تأمین می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰). براساس اعلام وزارت اقتصاد و

دولت رانتیر!

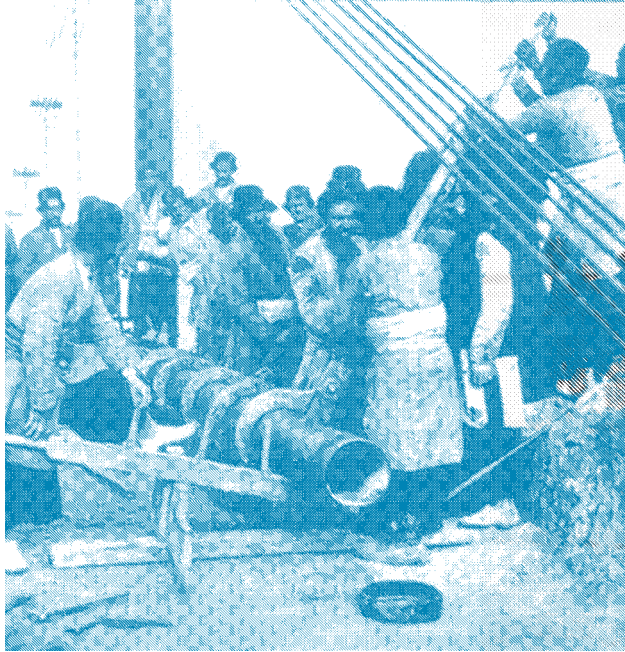
بررسی معایب اتکا به درآمدهای نفتی

محمدحسن نظری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و دبیر مطالعات اجتماعی منطقه بزینه رود

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی معایب و مشکلات متکی بودن به درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت به‌طور اعم و کشور ایران به‌طور اخص است. در این راستا با مراجعه به کتاب‌ها، مجلات، و مقالات تخصصی در اینترنت داده‌های مورد نیاز تهیه و با مطالعه و تجزیه تحلیل مطالب، هدف مورد نظر تحقیق حاصل شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متکی و وابسته بودن به درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت به‌ویژه ایران باعث بروز مشکلاتی در زمینه‌های مختلف شده است.



دارایی، بخش نفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و طی ۲۰ سال گذشته، به‌طور متوسط حدود ۱۶ درصد از تولید ناخالص داخلی،

بیش از ۸۵ درصد درآمدهای ارزی، حدود ۹۸ درصد از انرژی مورد نیاز کشور و تقریباً ۵۴ درصد از درآمدهای بودجه عمومی دولت را تأمین کرده است. صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی داشته و کارکرد اصلی آن تأمین ارز مورد نیاز کشور بوده است (مهرآرا و حائری، ۱۳۸۷: ۳).

موضوع نفت در ایران و تأثیرات آن بر بخش‌های دیگر اقتصادی، موضوعی بسیار مهم و گسترده است. اهمیت این بخش از اقتصاد ملی ناشی از تأثیرپذیری آن از جهان اطراف در شرایط بحرانی و حتی غیر بحرانی است (گسگری و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۸). مشکلات و معایب این نوع از اقتصادها، مانند بی‌ثباتی قیمت نفت در بازارهای جهانی، تحریم این صنعت، تجدیدنپذیر بودن، رانتی بودن، عدم اشتغال‌زایی و... ضرورت مطالعه در این زمینه را دو چندان می‌کند. هر چند در این زمینه مطالعات زیادی توسط محققان صورت گرفته است، اما به دلیل اهمیت موضوع کافی نیست. کشور ایران ظرفیت زیادی برای سایر درآمدها از جمله کشاورزی، گردشگری و... دارد و می‌تواند با تقویت آن‌ها وابستگی خود را از درآمدهای نفتی که آسیب‌پذیرند و سهم زیادی از درآمد و صادرات اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده‌اند، کاهش دهد. با توجه به این مهم هدف مقاله حاضر بررسی معایب و مشکلات متکی بودن به درآمدهای حاصل از صادرات نفت در کشورهای صادرکننده نفت به‌طور اعم و کشور ایران به‌طور اخص بوده است.

روش تحقیق

رویکرد حاکم بر پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. بدین صورت که با مراجعه به کتاب‌ها، مجلات، و مقالات تخصصی در اینترنت، داده‌های مورد نیاز گردآوری شد و با مطالعه و تجزیه تحلیل مطالب، به بررسی مشکلات و معایب متکی بودن به درآمدهای

۲. تعریف واژه‌ها

رانت: رانت درامدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است. همچنین، رانت به درآمدهایی گفته می‌شود که یک دولت از منابع خارجی، یعنی با فروش منابع زیرزمینی و دریافت کمک از بیگانگان به‌دست می‌آورد (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲: ۲۹).

دولت رانتیر

دولت رانتیر دولتی است که مقادیر قابل توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌دارد (حاج یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

دولت رانتیر دولتی است که بیش از ۴۲ درصد از درآمدهای آن از رانت خارجی به‌دست می‌آید (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۷).

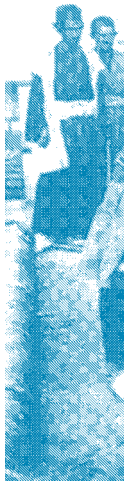
رانت‌ها باید از خارج از کشور تأمین شوند. به‌عبارت دیگر، رانت هیچ‌گونه ارتباطی با فرایند تولیدی در اقتصاد داخلی ندارد (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲: ۳۰).

در یک دولت رانتیر تنها درصد بسیار کمی از نیروی کارگر در تولید رانت شرکت دارد. بنابراین اکثر افراد دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند (همان).

معایب و مشکلات اتکا به درآمدهای نفتی (یافته‌ها)

بدون تردید منابع نفت، ذخایر با ارزشی هستند که در اختیار ملت‌هایی چون ایران قرار دارند. اما چگونگی مصرف درآمد حاصل از این ذخایر می‌تواند موجب اختلال در پیشرفت این قبیل کشورها شود و یا توسعه کشور را تسریع کند؟

در چند دهه گذشته شاهد بوده‌ایم، کشورهایی که فاقد ذخایر ارزشمندی نظیر نفت هستند، مانند مالزی، کره جنوبی و... به پیشرفت‌های زیادی نائل آمده‌اند، اما برخی از کشورهای صاحب



نفت مانند ایران به لحاظ توسعه اقتصادی از کشورهای مزبور عقب مانده‌اند. عقب‌ماندگی نسبی کشورهای صاحب ذخایر نفت را نمی‌توان به حساب ذخایر با ارزش آن‌ها نهاد، بلکه باید آن را متوجه چگونگی مصرف درآمد حاصل از آن ذخایر دانست (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۶) که این خود به کیفیت و کارا بودن چارچوب نهادی - ساختاری حاکم بر کشورهای صادرکننده نفت بستگی دارد.

در واقع رانت نفت در کشورهای که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت مناسب هستند، به موهبت و در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت پایین هستند، به مصیبت تبدیل می‌شود (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۰). احتمال وقوع «روایت ضعیف پدیده مصیبت منابع»، مبنی بر اینکه افزایش رانت نفت، رشد اقتصاد غیرنفتی را کاهش دهد، در کشورهایی که شاخص کیفیت نهادی - ساختاری آن‌ها پایین‌تر از حد آستانه باشد، بسیار بالاست. براساس این نتایج، «روایت قوی مصیبت منابع» مبنی بر اینکه افزایش رانت نفت، رشد اقتصادی کل را کاهش می‌دهد، در کشورهایی که شاخص کیفیت نهادی - ساختاری آن‌ها پایین‌تر از حد آستانه باشد، تأیید نمی‌شود. در واقع کاهش رشد بخش غیرنفتی در این کشورها به اندازه‌ای نیست که اثر افزایش درآمدهای نفتی را خنثا کند. اگرچه در این کشورها کیفیت پایین چارچوب نهادی - ساختاری موجب می‌شود که اثر مثبت افزایش درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی نسبت به کشورهای دیگر به شدت محدود شود، اما اثر افزایش درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کل مثبت و احتمال بروز روایت قوی مصیبت منابع اندک است. با توجه به اینکه شاخص کیفیت نهادی ایران (۳۱/۵) کمتر از حد آستانه مذکور است، به سختی می‌توان پذیرفت که درآمدهای نفتی در ایران موهبت بوده‌اند (همان).

در ادامه به بخشی از مشکلات و معایب اتکا به درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت با تأکید بر ایران پرداخته شده است.

۱. نفت و تولید ناخالص داخلی

بی‌ثباتی قیمت نفت، بر درآمدهای نفتی که مهم‌ترین منبع درآمد دولت محسوب می‌شود، تأثیر منفی می‌گذارد و چون مخارج دولت وابسته به درآمد دولت است، از تأثیر منفی بی‌ثباتی قیمت نفت متأثر می‌شود. بدین صورت بی‌ثباتی قیمت نفت از کانال درآمدها و مخارج دولت بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی می‌گذارد. شدید بودن نوسانات قیمت نفت نوعی نااطمینانی در اقتصاد داخلی کشور ایجاد می‌کند و با توجه به وابسته بودن بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی به قیمت نفت، نااطمینانی در اقتصاد داخلی کشور ایجاد می‌کند و با توجه به وابسته بودن بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی به قیمت نفت، نااطمینانی این متغیر سبب تأثیر منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹).

۲. نفت و جامعه مدنی

جامعه مدنی به‌نوعی از شیوه زندگی و پیشرفت تمدن اطلاق می‌شود. جامعه مدنی در مقابل دولت قرار دارد که بر همه امور کنترل و نظارت دارد. از مهم‌ترین شاخص‌های جامعه مدنی می‌توان به آزادی، قانون‌مندی، کثرت‌گرایی، مشخص بودن حوزه‌های عمومی و خصوصی و... اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۰). گسترش جامعه مدنی زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت در هر جامعه‌ای است. اما با توجه به اینکه جامعه ایرانی دارای اقتصاد رانتی است - اقتصاد رانتی برآمده از نفت - نمی‌تواند بستری باشد برای شکل‌گیری جامعه مدنی. چون اقتصاد رانتی نفتی اساساً در اختیار دولت است. برخلاف بیشتر دولت‌ها که مجبور به اخذ مالیات از جامعه و صنایع خود هستند، دولت رانتیر به‌علت بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از رانت، نیاز چندانی به مالیات‌ها و در نتیجه به جامعه مدنی احساس نمی‌کند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۵).

از آنجا که درآمدهای دولت تحصیل‌دار (رانتیر) وابسته به تولید داخلی نیست، تصمیم‌گیرندگان آن ممکن است توجهی به منافع و خواسته‌های جامعه مدنی نداشته باشند و قادر باشند تا منافع خود را حتی در فرض تعارض با منافع دیگر گروه‌های اجتماعی برآورده سازند (همان).

۳. نوسانات قیمت نفت و رفاه خانوارها در دهک‌های متفاوت درآمدی

افزایش قیمت جهانی نفت، درآمد، هزینه و رفاه خانوارها را افزایش می‌دهد و شوک منفی (کاهش قیمت جهانی نفت)، تأثیر منفی بر سطح رفاه خانوارها بر جای می‌گذارد. مقایسه تأثیر افزایش و کاهش قیمت نفت نشان می‌دهد که شوک مثبت نفتی بر درآمد، هزینه و رفاه خانوارها بیش از شوک منفی نفتی مؤثر است. به عبارت دیگر، تأثیر افزایش و کاهش قیمت نفت بر سه متغیر مورد بررسی نامتقارن است. کاهش یا افزایش قیمت نفت تأثیر نسبتاً یکسانی بردهک‌های متفاوت درآمدی بر جای می‌گذارد؛ به طوری که هر سه شاخص هزینه، درآمد و رفاه خانوار در دهک‌های متفاوت درآمدی به‌صورت مشابهی تغییر می‌کنند. تفکیک خانوارها براساس مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، تأثیرپذیری بیشتری از نوسانات قیمت نفت دارند. با افزایش قیمت نفت و با توجه به اینکه درآمد و رفاه مناطق شهری بیش از مناطق روستایی افزایش می‌یابد، اختلاف سطح رفاه در مناطق شهری و روستایی بیشتر می‌شود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳ - ۷۲).

۴. درآمدهای نفتی، بازار مسکن و کشاورزی

از منظر ساختاری ویژگی مهم گذر به نظام سرمایه‌داری در ایران عبارت است از پیشی گرفتن رشد جمعیت شهرها نسبت

به توسعه اجتماعی - اقتصادی. از طرف دیگر، به علت اتکا به درآمدهای نفتی، شهرها از مزاد اقتصادی روستاها رها شده‌اند و این بار شهرها علاوه بر تقدم سیاسی، تقدم اقتصادی را به روستاها تحمیل می‌کنند.

رکود بخش کشاورزی به علت واردات کالاهای کشاورزی و تا اندازه‌ای مکانیزه شدن کشاورزی و جمعیت زیاد روستاها موجبات مهاجرت به شهرها را فراهم می‌آورد. انباشت شهرها از جمعیت جویای کار و ناتوانی شهر در پاسخ‌گویی و ارائه خدمات به شهروندان (به‌ویژه کم‌درامدان) باعث بروز بحران‌هایی از قبیل: بی‌کاری، فقر، جدایی‌گزینی فضایی و حاشیه‌ای شدن عده کثیری از مهاجران شده است. تجربیات چند دهه اخیر نشان داده است، افزایش قیمت نفت، نقدینگی و تولید ناخالص متغیرهای قابل اتکایی برای افزایش شاخص‌هایی از جمله دسترسی به مسکن برای دهک‌های پایین جامعه نبوده‌اند (شمس و پالیزان، ۱۳۸۹: ۵۸).

تورم یکی از معضله‌های پایه‌ای اقتصادهای متکی به رانت نفت است. درآمد حاصل از رانت نفتی ناشی از ظرفیت تولید اقتصادی ملی نیست و توانایی جذب آن را منعکس نمی‌سازد. وقتی که قیمت نفت بالا و درآمد حاصل از صادرات نفت بخش بزرگی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد، تزریق کل این درآمد به اقتصاد موجب پیدایش موج‌های تورمی شدید می‌شود. زیرا اقتصاد کشور ظرفیت جذب درآمد مربوطه را که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت است، ندارد. در واقع، تزریق درآمد نفت به اقتصاد مانند چاپ اسکناس عمل می‌کند که شدیداً تورم‌زا است. در کشورهای نفت خیز توسعه نیافته و در حال رشد، وقتی که فشار تورم شدید می‌شود، دولت‌ها غالباً به سیاست‌های وارداتی متوسل می‌شوند. یعنی سعی می‌کنند با افزایش واردات فشار تورم را خنثا و کنترل کنند. اما انجام این کار در مورد بخش‌هایی مانند مسکن و حمل‌ونقل میسر نیست. دولت می‌تواند با وارد کردن کالاهای کشاورزی و مصنوعات صنعتی، فشار تورم را در این بخش‌ها کاهش دهد، اما نمی‌تواند با وارد کردن زمین و مسکن از فشار تورم در بخش مسکن بکاهد. لذا این سیاست موجب می‌شود که قیمت و سودآوری به‌طور نسبی، یعنی در مقایسه با بخش کشاورزی و صنایع به‌سوی بخش‌هایی مانند مسکن سرازیر شود. این روند به تورم شدیدتر در بخش مسکن و رکورد نسبی بخش‌های کشاورزی و صنایع داخلی می‌انجامد (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۷ - ۶۶).

۵. درآمدهای نفتی و سرمایه اجتماعی

وجود منابع طبیعی غنی در کشور و وابستگی به درآمدهای نفتی، دولت را به یک دولت توزیع‌کننده رانت و منافع حاصل از منابع طبیعی تبدیل کرده است. به بیان دیگر، دولت به منبعی از منافع تبدیل شده که گروه‌های اجتماعی و شهروندان می‌کوشند با نزدیک شدن به آن، سهم بیشتری از منافع را ببرند. همین موضوع، زمینه فساد و رانت را فراهم آورده است و سبب

بی‌اعتمادی شهروندان و نیز کاهش سطح اعتماد عمومی و کاهش سطح سرمایه اجتماعی شده است. همچنین، با وجود درآمدهای سهل‌الوصول نفتی، دولت دیگر ضرورتی برای کمک به تکامل و عملکرد موفق نهادهای اجتماعی بیرون از خود احساس نمی‌کند. چون به علت داشتن منابع درآمدی کافی، فشاری برای کاهش هزینه‌های اجتماعی احساس نمی‌شود و به ضعف جامعه مدنی و کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. نفت به‌طور متوسط بالغ بر ۶۰ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد و درآمدهای مالیاتی تنها ۳۰ درصد بودجه دولت را تأمین می‌کند. این شرایط ارتباط و مسئولیت‌پذیری دولت را برای پاسخ‌گویی به مردم کاهش داده و از این طریق ارتباط دولت با مردم و میزان مشارکت جمعی مردم به‌طور نسبی در سطح پایین‌تری قرار گرفته است (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲ - ۱۲۱).

۶. کاهش درآمد نفت و مخارج دولت

میزان تولید نفت در ایران به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در زمینه نفت و همچنین افزایش ظرفیت تولید وابسته است. افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش مخارج دولت و در ادامه باعث افزایش ظرفیت تولید نفت و در نتیجه باعث افزایش صادرات نفت می‌شود. ولی کاهش درآمدهای نفتی، ضمن کاهش مخارج جاری و عمرانی کشور، می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه تولید و استخراج نفت خام شود و تبعات منفی بعدی را در این حوزه به همراه داشته باشد. به‌علاوه با کاهش درآمدهای نفتی، متغیرهایی مثل نقدینگی نیز در کشور تغییر می‌کنند و تغییر تورم پدیده مورد انتظار بعدی در این مسیر خواهد بود (محمدی و برات‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۳). بنابراین کاهش درآمدهای نفتی به دلیل کاهش صادرات و یا کاهش قیمت نفت خام اثرات متعددی روی متغیرهای مهم اقتصادی، مانند واردات، نرخ ارز، سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، مخارج دولت، نقدینگی در جامعه، رشد اقتصادی و... برجای می‌گذارد.

۷. افزایش قیمت نفت و تراز تجاری ایران

افزایش قیمت نفت اثری منفی بر تراز تجاری در اقتصاد ایران داشته است، به طوری که یک درصد افزایش قیمت نفت، باعث کاهش معادل ۲۰۳ واحد در تراز تجاری می‌شود. افزایش خالص خروج ارز از کشور و کسری در تراز تجاری را می‌توان ناشی از مقابله کشورهای صنعتی با افزایش قیمت نفت، به‌صورت افزایش قیمت کالاهای صنعتی دانست. به طوری که اگرچه افزایش قیمت نفت منجر به افزایش درآمدهای ارزی از محل صادرات نفت می‌انجامد، ولی در مقابل از آنجا که کشور ما واردکننده عمده فرآورده‌های نفتی مانند بنزین و محصولات نیمه صنعتی و صنعتی از کشورهای صنعتی است، باعث افزایش ارزش واردات کشور نیز خواهد شد (نعمت‌اللهی و مجدزاده طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۶۷). بنابراین کشورهای صادرکننده نفت و این‌گونه اقتصادها از افزایش قیمت نفت نیز بهره‌ای عایدشان نمی‌شود و باید در فکر تغییر

ساختار اقتصادی خود باشند، از مزیت‌های اقتصادی کشورشان برای تقویت توسعه خود استفاده کنند و خود را از وابستگی صرف به درآمدهای نفتی برهانند.

۸. نوسان درآمدهای نفتی و بیماری هلندی در اقتصاد ایران

بیماری هلندی در حقیقت به مشکلات ناشی از پدیده ضدصنعتی شدن اشاره دارد که برای نخستین بار پس از کشف ذخایر گاز طبیعی در اوایل دهه ۱۹۶۰ در کشور هلند پدید آمد. بدین صورت که همراه با کشف ذخایر گاز در این کشور، از واردات انرژی کاسته شد و حتی صادرات آن افزایش یافت. متعاقب افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات گاز، ارزش خارجی پول ملی تقویت شد. به دنبال افزایش هزینه‌های تولید، قیمت کالاهای داخلی بالا رفت و باعث کاهش قدرت رقابت کالاهای تولید شده در داخل در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی شد. در این حالت کالاهایی که تا قبل از این قدرت مبادله بین‌المللی داشتند و برای کشور در دسته کالاهای قابل مبادله طبقه‌بندی می‌شدند، قدرت رقابت خود را از دست دادند و به کالاهای غیرقابل مبادله تبدیل شدند که نتیجه آن ضربه ناگهانی به تولید و اشتغال در بخش صنایع تولیدکننده کالاهای صادراتی بود. پدیده بیماری هلندی در کشورهای صادرکننده نفت طی سال‌های اخیر باعث تبدیل بسیاری از کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله شده است. این بیماری به ویژه در دهه ۱۹۷۰ به عنوان بیماری عمده اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دائماً مدنظر بوده است (خوش اخلاق و موسوی محسنی، ۱۳۸۵: ۹۸). همراه با افزایش درآمدهای نفتی، پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران تحقق یافته است (همان، ص ۱۰۷).

۹. درآمدهای نفتی و صنعت گردشگری

کشور ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان از لحاظ جاذبه‌های گردشگری، جزو پنج کشور اول جهان از نظر تنوع گردشگری و جزو سه کشور اول جهان از نظر تنوع صنایع دستی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰). بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه گردشگری، سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور در این بخش و توجه به این صنعت به عنوان ابزاری مناسب می‌تواند در ادامه روند توسعه و رشد اقتصادی ایران عامل مهمی محسوب شود (شریفی رنانی و همکاران ۱۳۸۹: ۱۰). ولی متأسفانه با وجود اهمیت جهانی این صنعت، هنوز سرمایه‌گذاری مناسبی برای توسعه آن در کشورمان صورت نگرفته است

(رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). از دلایل مهم توقف پیشرفت گردشگری در ایران، استفاده راحت از درآمد نفت است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۰). کاتوزیان اقتصاد متکی به نفت را دلیل پیدایش ساخت سیاسی متمرکز در ایران می‌داند. در جامعه نفت پایه ایران، درآمدهای نفتی وسیله عمده کنترل اجتماعی - سیاسی‌اند، استقلال نسبی دولت از جامعه را سبب می‌شوند، و نیاز دولت به بخش‌های اقتصادی دیگر از جمله گردشگری را کم‌رنگ می‌سازند (همان، ص ۹۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایران یکی از کشورهای مهم نفت‌خیز و صادرکننده نفت است که از طریق صادرات و درآمدهای نفتی بخش مهمی از مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری و بودجه عمومی سالانه دولت، تأمین ارز مورد نیاز، واردات کالاهای سرمایه‌ای، انرژی مورد نیاز کشور و... را تأمین می‌کند. از طرف دیگر، همان‌طور که اشاره شد، متکی بودن به درآمدهای نفتی به علت داشتن مشکلاتی مانند برون‌زا بودن این نوع از اقتصادها، قرار داشتن قیمت و فروش نفت در خارج از حیطه اقتصاد ملی، نوسان و تکانه‌های قیمتی نفت، تحریم صنعت نفت توسط کشورهای واردکننده و توسعه یافته، رانتی بودن و... باعث بروز مشکلاتی از جمله کاهش تولید ناخالص داخلی و تأثیر منفی بر رشد آن، بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و توان بخش‌های دیگر اقتصادی مانند گردشگری، تورم در بخش مسکن، کم‌توجهی به جامعه مدنی و منافع و خواسته‌های آن، کاهش سرمایه اجتماعی و... شده است. بنابراین کشورهای صادرکننده نفت، به ویژه کشور ایران، باید در فکر تغییر ساختار اقتصادی خود باشند. با توجه به اینکه ظرفیت و توان کشور ایران در بخش‌هایی مانند گردشگری، کشاورزی و... بالاست و می‌تواند از این توان برای تقویت توسعه همه جانبه خود استفاده کند، ضروری است اتکای خود را به درآمدهای نفتی صرف با توجه به آسیب‌پذیری زیاد این گونه اقتصادها کاهش دهد.

پیشنهادها

- استفاده از درآمد حساب ذخیره ارزی و صندوق‌های نفتی در توسعه بخش صنعت، کشاورزی و گردشگری.
- توجه به مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور و اهمیت دادن به آن به منظور کاهش اتکا به درآمدهای نفتی.
- اصلاح نظام مالیاتی و تقویت آن به منظور کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و جلوگیری از آسیب‌های آن.
- تقویت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی کشور و استفاده از توان آن در توسعه کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی.

منابع در دفتر مجله موجود است.

